

مدیریت کلاس‌های چندپایه^۱

محسن توده رنجبر^۲، فاطمه عراقی^۳، علی شکیبی^۴

چکیده

با روند روبه‌افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها زمینه‌ی تشکیل کلاس‌های چندپایه فراهم می‌آید. دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه را دانش‌آموزان روستایی یا دانش‌آموزان حومه شهرهای کوچک و دورافتاده تشکیل می‌دهند. دیدگاه‌های مختلفی نسبت به کلاس‌های درس چندپایه وجود دارد: برخی این کلاس‌ها را جزو معضلات نظام آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود و بعضی دیگر وجود این کلاس‌ها را به‌مثابه فرصتی برای یک عمل آموزش‌وپرورش بهینه به شمار می‌آورند. تحقیقات نشان می‌دهد که میان دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های درس تک‌پایه از حیث توانایی شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد. افزون بر این دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از نظر رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه همکاری، بهداشت روانی، پختگی رفتاری و... به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه برتری نشان می‌دهند. نتایج پژوهش‌های زیادی برتری و لزوم کلاس‌های درس چندپایه را مورد تأیید قرار داده‌اند. تدریس در کلاس‌های درس چندپایه و دانش‌آموزی در این کلاس‌ها، تجارب فراوانی را به بار می‌آورد. تجارب برآمده از کلاس‌های درس چندپایه برای معلمان، افزایش توانایی حرفه‌ای و وابستگی به دانش‌آموزان است که به گفته یکی از معلمان کلاس چندپایه: معلم کلاس چندپایه، سرپرست خانواده پر فرزند است که باید برای همه آنان به‌صورت متفاوت برنامه‌ریزی کند و به نسبت مساوی محبت خود را به هر کدام از بچه‌ها نشان دهد و بر این باور است که کلاس درس چندپایه «کلاس زندگی» است.

واژگان کلیدی: کلاس چندپایه، آموزش‌وپرورش.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶
تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸
۲. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)
mohsen.todehnanjbar@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور تهران

۴. کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

آمار نشان می‌دهد که نظام آموزش و پرورش ایران حدود یک میلیون دانش‌آموز در کلاس‌های درس چندپایه به تحصیل می‌پردازند. دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه را دانش‌آموزان روستایی یا دانش‌آموزان حومه شهرهای کوچک و دورافتاده تشکیل می‌دهند. آموزگاران کلاس‌های درس چندپایه نیز بیشتر از مناطق روستایی برخاسته‌اند که عمدتاً دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند و کمترین آموزش‌ها را دیده‌اند و از آموزش‌های پایه معلمی بی‌بهره‌اند. دلیل اصلی تشکیل کلاس‌های چندپایه به حدنصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان در یک پایه تحصیلی است. معمولاً حدنصاب تعداد دانش‌آموزان برای رسمیت یافتن کلاس‌های درس را در هر پایه نظام آموزشی تعیین و ابلاغ می‌کند.

با روند روبه‌افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها زمینه تشکیل کلاس‌های چندپایه فراهم می‌آید. دیدگاه‌های مختلفی نسبت به کلاس‌های درس چندپایه وجود دارد: برخی این کلاس‌ها را جزو معضلات نظام آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود و بعضی دیگر وجود این کلاس‌ها را به‌مثابه فرصتی برای یک عمل آموزش و پرورش بهینه به شمار می‌آورند. تحقیقات نشان می‌دهد که میان دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های درس تک‌پایه از حیث توانایی شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد. افزون بر این دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از نظر رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه همکاری، بهداشت روانی، پختگی رفتاری و به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه برتری نشان می‌دهند. نتایج پژوهش‌های زیادی برتری و لزوم کلاس‌های درس چندپایه را مورد تأیید قرار داده‌اند.

تدریس در کلاس‌های درس چندپایه و دانش‌آموزی در این کلاس‌ها، تجارب فراوانی را به بار می‌آورد. تجارب برآمده از کلاس‌های درس چندپایه برای معلمان، افزایش توانایی حرفه‌ای و وابستگی به دانش‌آموزان است که به گفته یکی از معلمان کلاس چندپایه: معلم کلاس چندپایه، سرپرست خانواده پر فرزند است که باید برای همه آنان به‌صورت متفاوت برنامه‌ریزی کند و به نسبت مساوی محبت خود را به هر کدام از بچه‌ها نشان دهد و بر این باور است که کلاس درس چندپایه کلاس زندگی است (فتاحان، ۱۴۰۰).

۲. بحث و بررسی

مدیریت مؤثر در کلاس‌های چندپایه

مدیریت کلاس درس در آموزش و پرورش کلاس‌های درس چندپایه حایز اهمیت زیادی

است مدیریت کلاس درس به پیش‌بینی‌ها و روند ضروری برای ایجاد و حفظ محیطی که در آن یاددهی و یادگیری به‌وضوح می‌پیوندد تعریف شده. هدف اولیه مدیریت کلاس اثربخش، کاستن از بدرفتاری یا حتی ایجاد یک محیط منظم نیست. ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان را به انفعال بکشاند و سبب به‌هم‌ریختن نظم هم نگردد، به معنای افزایش فرصت یادگیری نیست. درست، برعکس چنین شرایطی از فرصت‌های یادگیری می‌کاهد. این موضوع، در کلاس‌های درس چندپایه در خور توجه است، زیرا بسیاری از دانش‌آموزان مجبورند ساعاتی از روز را ساکت و بی‌هدف در گوشه‌ای از کلاس سپری کنند تا معلم بتواند به گروه دیگری از دانش‌آموزان تدریس نماید و یا از آنها خواسته می‌شود به روخوانی مطالب کتاب یا فعالیت دیگری بپردازند اما بر کلاس و فعالیت‌های دانش‌آموزان نظارت و مدیریت هدمند اعمال نمی‌شود کلاس آرام و منظم است اما بر یادگیری و میزان یادگیری افزوده نمی‌شود. این موضوع در کلاس چندپایه در خور توجه است. زیربنایی‌ترین هدف از مدیریت کلاسی اثربخش، یادگیری یا افزایش یادگیری دانش‌آموزان است (صیادی و همکاران، ۱۳۸۶).

راه‌حل‌های مدیریت توانمند در کلاس درس

بالا بردن توان آموزشی:

توانایی و تسلط معلم بر مفاهیم و مطالب آموزشی، روش‌های تدریس مناسب، مدیریت زمان، رسیدگی دقیق به فعالیت‌ها و تکالیف دانش‌آموزان و... از معلم تصویری ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان را خودانگیزه به احترام و ایجاد نظم وامی‌دارد.

کارایی و جامع‌الاطراف بودن معلم

اگرچه داشتن معلومات گسترده و کامل بودن از هر نظر مهم‌ترین اصل مدیریت کلاس است؛ ولی در کنار آن کافی است معلم به دانش‌آموز انگیزه بدهد و دانش‌آموز انگیزه لازم برای انجام کار را داشته باشد.

در مدرسه، یادگیری در بستری موفقیت‌آمیز افزایش یافته و در معرض فشار اجتماعی و ارزیابی‌های اجتماعی قرار دارد؛ بنابراین، فعالیت‌های یادگیری ممکن است علایق خاص و احساسات گوناگون و فراوانی را تحریک کند. احساسات و عواطفی که در بستر کلاس درس تجربه شده‌اند، می‌توانند مثبت (مانند: شادی، هیجان، غرور)، یا منفی (مانند: اضطراب، خشم، افسردگی) باشند.

بدیهی است که آموزش اثربخش، مسئله عرضه‌کردن اطلاعات به گروهی از

دانش‌آموزان نیست. این نوع آموزش بیشتر به هدف آغاز تغییر رفتار در فرد فرد دانش‌آموزان است. بسیاری بر این باورند که تأکید اصلی نظریه‌های پیشین یادگیری و آموزش بر کسب دانش و مهارت بوده، و به جنبه‌های پیچیده، همچون تأثیر متغیرهای عاطفی بر یادگیری بی‌اعتنا بوده‌اند علاوه بر این، دانش‌آموزان در محیط‌های یادگیری اجتماعی پویا که در آن عوامل تأثیرگذار گوناگونی دائم بر یکدیگر اثر می‌گذارند، بهتر می‌آموزند و در نتیجه، خود شرایط یادگیری و نیز ارزیابی خودشان از آن شرایط را تغییر می‌دهند.

مسئولیت دادن به شاگردان

هر قدر شاگردان در قبال رفتار خود احساس مسئولیت کنند به همان میزان به معلم کمک می‌نمایند تا کلاس را بهتر مدیریت نماید؛ لذا معلمان باید سعی نمایند با دانش‌آموزانی که زیر بار قبول مسئولیت نمی‌روند و معمولاً برای معلم در کلاس مشکل ایجاد می‌نمایند کار کنند و آنها را در قبول مسئولیت یاری نمایند. واگذاری مسئولیت شکل‌های متعددی می‌تواند داشته باشد. همچون: نماینده کلاس شدن، سرگروه شدن، مأمور جمع‌آوری دفاتر و کارهای عملی شاگردان شدن، مسئول حضور و غیاب بودن و...

تدوین و اجرای قواعد (قانون کلاس)

با تدوین قواعد، معلم آگاهی خود را از آن چه در کلاس می‌گذرد اعلام می‌کند و دانش‌آموزان هم در آغاز سال تحصیلی از انتظارات رفتاری و آن چه باید در کلاس به آن پایبند باشند، به‌روشنی از معلم خود دریافت می‌دارند. برای دستیابی به این هدف می‌توان از همان آغاز سال تحصیلی با تشکیل یک جلسه بحث و مشورت، از قواعدی که خود دانش‌آموزان نسبت به آن آگاهی دارند مطلع شد و مواردی دیگر بر آن افزود و در کاغذ بزرگی در معرض دید دانش‌آموزان قرارداد. همخوانی این مطالب (قانون کلاس) قبل از شروع برنامه تدریس روزانه، ضمن این که در تثبیت انتظارات معلم مؤثر است، در ایجاد آمادگی برای ورود به تدریس و جلوگیری از پراکندگی افکار دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد. در مواقع لزوم معلم می‌تواند با اشاره به این قواعد، بی‌انضباطی دانش‌آموزان را گوشزد نماید.

افزودن بر رفتار پسندیده

روشی که هم اکنون نگارنده در کلاس خود اجرا می‌کند به‌نوعی تعریف رفتارها و آموزش اعمالی است که دانش‌آموزان در هر مقطع سنی انجام می‌دهند. در واقع ایجاد آگاهی نسبت به آن چه فرد در زندگی روزمره خود انجام می‌دهد ساده‌ترین راه برای تزریق رفتارهای مثبت به کلاس درس و تقویت احترام به دیگران، خودفهمی، اشتیاق به یادگیری و انضباط

در کلاس درس است. معلمان چندپایه می‌توانند با تشویق دانش‌آموزان به انجام رفتارهای خوب و پسندیده از آن‌ها بخواهند در طول هفته رفتارهای خوب خود را یادداشت کرده و در پایان هفته به نماینده پایه (به‌استثنای اول و دوم) تحویل دهند تا ضمن قرائت در کلاس درس با ذکر نام انجام‌دهنده عمل، یکی از رفتارهای خوب وی با انتخاب معلم و با نام خود او در یک برگه کاغذ نوشته شود و به مدت یک هفته در کلاس درس در معرض دید همگان قرار گیرد. امور مربوط به پایه‌های اول و دوم در صورتی که خود نمی‌توانند آن را انجام دهند به نمایندگان پایه‌های دیگر سپرده می‌شود. با این شیوه خزانه‌ای از رفتارهای پسندیده در اختیار همه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و هر هفته رفتارهای مثبت جدید تولید خواهد شد.

کاستن از سرزنش و تنبیه

اگر از سرزنش استفاده می‌کنید، باید اطمینان حاصل کنید که فقط عمل او را نشانه بگیرید نه خود دانش‌آموز را. دلیل رفتار یا عمل ناشایست و نامطلوب را بیان کنید و راهکار تبدیل عمل نامطلوب را به عمل مطلوب به او بنمایانید.

با طرح درس وارد کلاس شوید

طرح درس بسیار مهم است و اگر معلم بدون طرح درس وارد کلاس درس شود در مدیریت کلاس و تدریسش به مشکل بر می‌خورد و طرح‌ریزی درسی یکی از اصول کلی مدیریت کلاس هست که باعث می‌شود معلم زمان کلاس را مدیریت کند. دلیل برخی از بی‌نظمی‌ها و ایجاد سروصدا و شلوغ‌کاری‌های شاگردان به این موضوع بر می‌گردد که آنها به علت عدم استفاده از طرح درس، توسط معلمان، فرصت اضافی به دست می‌آورند. برای مهار این فرصت، تهیه و به‌کارگیری طرح درس توسط معلم بهترین ابزار است. در طرح درس معلم کل زمان یک جلسه را به انجام فعالیت‌های مختلف اختصاص می‌دهد و در طول جلسه شاگردان را به انجام فعالیتی وادار می‌کند تا جلسه پایان یابد. این روند امکان دستیابی دانش‌آموزان به فرصت اضافی را از آنها می‌گیرد و به‌خصوص از شلوغ‌کاری‌های جمعی ممانعت به عمل می‌آورد.

به هنگام برخورد با موقعیت‌های ناهنجار رفتاری از ناحیه شاگردان، خونسرد باشید.

وقتی شاگردان رفتار ناشایست انجام می‌دهند، برخی از معلمان خونسردی خود را از دست می‌دهند و واکنش متناسب با شرایط خود بروز نمی‌دهند. در نتیجه موقعیت را بدتر از آنچه که هست می‌نمایند.

توصیه رعایت خونسردی به چند دلیل است. اولاً اگر شاگردان بدانند معلمی به موضوعی حساسیت دارد آن مورد را به‌عنوان نقطه‌ضعف از او گرفته و هرگاه قصد آزار و اذیت معلم را داشته باشند از آن استفاده می‌کنند. این امر در مقطع بالاتر تحصیلی به‌مراتب بیشتر به چشم می‌خورد. ثانیاً حفظ خونسردی به معلم این امکان را می‌دهد که تأمل و تفکر بیشتری در مورد نوع رفتار شاگردان داشته باشد و در جهت شناسایی علت اصلی رفتار باشد و متعاقب آن واکنش مناسب از خود بروز دهد. به‌طوری‌که دانش‌آموز متخلف را متوجه خطای خویش نماید. ثالثاً نوع رفتار معلم برای شاگردان الگوست؛ بنابراین معلم باید از دادزدن، تهدیدکردن و تعابیر نیش‌دار خودداری نماید.

علاقه‌مندی خود را به شاگردان آشکار نمایید.

معمولاً اکثریت معلمان به شاگردان خود علاقه‌مند هستند و آنها را دوست می‌دارند. ولی از این حس خود نمی‌توانند در مدیریت بهتر کلاس، بهره بگیرند. راهکار عملی این است که معلمان به شاگردان بفهمانند که آنها را دوست دارند و به آنها علاقه‌مند هستند. اگر این احساس در شاگردان به وجود بیاید که معلم آنان را دوست دارد، بدون شک در نوع رفتاری که از آنها سر خواهد زد، مؤثر بوده و برای این که بتوانند رضایت معلمان را جلب نمایند رفتاری مورد قبول از خود بروز می‌دهند.

سلام و احوالپرسی با شاگردان در محیط بیرون و داخل مدرسه، در نظر گرفتن رفتارهای خوب شاگردان و بیان آنها، دست‌دادن معلم با شاگردان و... از جمله راهکارهای عملی علاقه‌مندی معلم به شاگرد است.

با شاگردان خاطی به‌صورت خصوصی صحبت نمایید.

در برخی کلاس‌ها شاگردان خاصی پیدا می‌شوند که رهبری بی‌نظمی را برعهده دارند و یا به‌صورت انفرادی حرکاتی انجام می‌دهند. بهترین روش این است که با این‌گونه شاگردان به‌صورت خصوصی صحبت شود و تذکرات لازم ارائه گردد و اگر خانواده شاگرد دارای افراد متشخص و... است، از وجود آنها برای مهار شاگرد استفاده گردد. مثلاً می‌توان افتخارات خانوادگی او را گوشزد کرد. مثلاً گفته شود: «از آنجایی که تو متعلق به خانواده... هستی انتظار رفتاری را که از تو سر می‌زند ندارم.»

در صورت امکان از جابه‌جایی شاگردان استفاده کنید

برخی مواقع شیوه جابه‌جایی مکانی شاگرد مشکل انضباط کلاس را حل می‌کند. این جابه‌جایی به دو صورت می‌تواند انجام پذیرد. اول جابه‌جا کردن محل نشستن شاگرد در یک

کلاس، دوم جابه‌جا کردن کلاس شاگرد در مدرسه اگر از یک‌پایه چند کلاس وجود داشته باشد.

برای به‌وجود آمدن اتفاق خاص آمادگی داشته باشید

گاهی اتفاق خاص در کلاس می‌افتد و شاگردان از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کرده و بی‌نظمی را در کلاس حاکم می‌کنند؛ لذا یک معلم خوب باید برای برخورد با چنین شرایطی آمادگی داشته باشد تا بتواند نظم را به کلاس برگرداند.

رفتارهای شایسته دانش‌آموزان را مورد حمایت و تشویق و رفتارهای ناشایست را مورد تقبیح قرار دهید

برخی از معلمان برای آن که رفتار مثبتی را که از ناحیه شاگرد سر می‌زند مورد تشویق قرار دهند، کل وجود فرد را مورد حمایت قرار می‌دهند. در نتیجه شاگرد نمی‌داند که چرا مورد حمایت واقع شده است، تا آن عمل را تکرار کند. مثلاً اگر شاگرد، خوب درس می‌خواند، معلم برای این که او را تشویق کند، می‌گوید: «تو شاگرد خوبی هستی». برای او، خوب بودن مبهم است؛ بنابراین معلم باید برای تشویق او عبارتی معادل «تو خوب درس می‌خوانی و من از خوب درس خواندن تو خوشم می‌آید» استفاده کند تا شاگرد برای به‌دست‌آوردن رضایت معلم به درس خواندن خود ادامه دهد. در خصوص رفتارهای مربوط به انضباط نیز باید به همین روش عمل کرد. در خصوص رفتارهای ناشایست نیز باید رفتار غلط و اشتباه شاگرد را نکوهش کرد، نه کل وجود او را.

سعی کنید علت رفتارهای ناشایست را شناسایی کنید

اگر معلم بتواند ریشه اصلی بروز رفتارهای ناشایست شاگرد را شناسایی کند همانند پزشکی که علت درد مریض را به‌خوبی شناخته و می‌تواند او را بهتر مداوا کند. با شناخت علت رفتارها، راحت‌تر می‌توان با آن مقابله و اثرات آن را خنثی نمود.

سعی کنید با روش غیر کلاسی و گاه چشمی شاگردان را کنترل کنید

ارتباط چشمی یکی از قوی‌ترین نوع ارتباطات محسوب می‌گردد. حسن این روش آن است که بدون آن که با صدای بلند به رفتار یا نام کسی اشاره شود و باعث حواس‌پرتی دیگران گردد، مانع بروز رفتار نابجا می‌گردد؛ لذا معلمان می‌توانند با بهره‌جستن از این روش مهار کلاس را به دست گیرند.

برخی مواقع کور و برخی مواقع کر باشید

دنیای بچه‌ها، دنیای حوادث و اتفاق است. آنها به لحاظ شرایط سنی به‌خصوص اگر در

دوران بلوغ باشند، رفتارهای عجیب و غریب از خودشان نشان می‌دهند که معلم باتجربه نباید نسبت به همه آنها حساسیت و واکنش نشان دهد. بلکه باید به گونه‌ای رفتار نماید که وانمود کند که برخی از حرکات شاگردان را ندیده و برخی را نشنیده است، تا حجب و حیای موجود بین شاگرد و معلم به قوت خود باقی بماند و شاگرد نیز به حساب این که خوب شد معلم نفهمید، در عالم خود قیدوبند را محفوظ نگه دارد. اگر معلم هر رفتاری را که از ناحیه شاگرد سر می‌زند نمایان کند، ناچار است در برابر آن رفتار موضع‌گیری نماید. در هر حال این موضع‌گیری امکان دارد نتیجه خوبی نداشته باشد.

فرصتی جهت آزاد کردن انرژی شاگردان فراهم آورید

همگان می‌دانیم که کودکان و نوجوانان دارای انرژی خاصی هستند. خیلی مواقع علت بروز بی‌نظمی وجود این انرژی نهفته در دانش‌آموز است که خود را آزاد می‌نماید؛ لذا معلمان می‌توانند ضمن هوشیاری، شرایطی را در کلاس به وجود بیاورند که این انرژی آزاد شده و فرصت بی‌نظمی از شاگردان گرفته شود. با سبک‌های مختلف می‌توان این انرژی را آزاد کرد، مانند آزاد گذاشتن بچه‌ها برای چند دقیقه که با یکدیگر صحبت کنند، بخندند و...

از عهده کاری که بر نخواهید آمد به عنوان ابزار کنترل بهره نگیرید

برخی از معلمان دانش‌آموزان خاطی را به وسیله عملی که فاقد صلاحیت اجرای آن هستند تهدید می‌نمایند و چون نمی‌توانند جنبه عملی به آن ببخشند تسلیم شاگرد می‌شوند. مثلاً می‌گویند: «دیگر به کلاس راحت نمی‌دهم».

با دانش‌آموزان صمیمی باشید؛ ولی قاطع عمل کنید

یکی از منطقی‌ترین روش‌های برخورد با شاگردان این است که آنها با معلمان و دبیران خود، احساس صمیمیت نمایند. صمیمیت باعث می‌شود که شاگرد در برخورد با معلمان و دبیران، احترام کلاس را حفظ نمایند و از دست‌زدن به اعمال برهم‌زننده کلاس پرهیز کنند. ولی در عین حال امکان دارد شاگردانی پیدا شوند که از این رابطه سوءاستفاده کنند که در اینجا قاطع بودن معلم مشکل را حل خواهد کرد.

سعی کنید با ظاهری مرتب در کلاس حاضر شوید

بدون شک نوع شکل ظاهری و وضع پوشش معلم بر روی مخاطبین بی‌اثر نخواهد بود؛ بنابراین شایسته است از این مقوله نیز جهت اداره و کنترل کلاس استفاده نمود. نوع پوشش معلم با اقتدار و توانایی مدیریتی وی از نظر شاگردان رابطه مستقیم دارد. معلم هر چقدر مرتب و منظم باشد و از ژولیدگی پرهیز کند، به همان میزان اقتدارش در کلاس افزایش

خواهد یافت.

فعالیت خود را در کلاس بازنگری نمایید

معمولاً اتفاق می‌افتد که در حین تدریس نظم کلاس بر هم می‌خورد و احیاناً کنترل کلاس از دست خارج می‌شود. در این گونه موارد معلمان باید نزد خویش، تدریس و مجموعه فعالیت‌های یاددهی و یادگیری را مرور کنند تا دریابند که چه اشکالی در تدریس بوده است که واکنش شاگردان منجر به برهم خوردن کلاس شده است.

از روش‌های غیر کلامی کنترل کلاس بهره بگیرید

بهره گرفتن به موقع از روش‌های غیر کلامی جهت کنترل و هدایت کلاس یکی از مؤثرترین تکنیک‌ها و راهکارهای عملی مدیریت کلاس درس است.

از جمله روش‌های غیر کلامی عبارت‌اند از:

۱. اشاره کردن برای جلوگیری از عمل خاصی و یا جلب توجه شاگردان به امر خاصی.
۲. خیره شدن؛ نگاه مدت‌دار به شاگردی به خاطر عمل خاصی که از او سرزده است.
۳. مجاورت؛ اگر احساس می‌کنید شاگردی بی‌نظمی می‌نماید، می‌توانید به طور آهسته به او نزدیک شوید. این نزدیک شدن باعث می‌گردد که او متوجه شما شده و از بی‌نظمی پرهیز نماید.

حفظ تعادل در برقراری رابطه عاطفی با شاگردان

از آنجایی که شاگرد و معلم هر دو انسان هستند، لذا زمینه‌ای بسیار قوی جهت برقراری یک ارتباط عاطفی بین آنها فراهم است. اما برخی مواقع افراط در برقراری ارتباط عاطفی، اداره و هدایت و کنترل کلاس را از دست معلمان خارج نموده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد معلمان باید ضمن برقراری ارتباط عاطفی مناسب از افراط‌کاری پرهیز نمایند و به موقع از اهرم‌های قدرت و اقتدار خویش جهت اداره کلاس بهره گیرند. به عبارتی حدود و حریم ارتباط شاگرد و معلم باید معین گردد.

سعی کنید عوامل حواس پرتی را از بین ببرید

در بعضی مواقع عوامل بیرونی یا درونی کلاس عامل حواس پرتی و در نهایت ایجاد بی‌نظمی و ناراحتی در کلاس می‌گردد. در این مواقع وظیفه معلم، از بین بردن موانعی است که موجب حواس پرتی شاگردان شده است. مثلاً اگر در مقابل کلاس شما بنایی انجام می‌گیرد، می‌توانید محل تشکیل کلاس را عوض کنید.

وضعیت ظاهری کلاس را مرتب نمایید

انضباط در کلاسی به وجود خواهد آمد که مطبوع، تمیز، راحت و دارای نور کافی باشد. وقتی همه چیز مرتب باشد، انسان مایل نیست آن نظم به هم بخورد؛ بنابراین کلاس باید در حد امکان تمیز باشد. وجود محیط تمیز توأم بانشاط، مانع خیلی از خرابکاری‌ها، بی‌نظمی‌ها و... می‌گردد. چرا که اثر روانی خویش را دارد.

در انتخاب نوع گفتار خویش دقیق باشید

لازم است معلمان و دبیران در گفتار به طریقه‌ای عمل نمایند که حس احترام شاگردان نسبت به او برانگیخته شود و بهتر است گفتار از نوع مثبت باشد تا منفی. مثلاً به جای این که بگوییم به بیرون نگاه نکن، بهتر است بگوییم به تخته‌سیاه نگاه کن.

از بروز حساسیت خودداری نمایید

معمولاً معلمانی که نسبت به عمل خاصی حساس هستند و شاگردان نیز به حساسیت آنها پی می‌برند و از پرداختن به آن لذت می‌برند و زمینه آزار و اذیت معلم را فراهم می‌آورند؛ بنابراین شایسته است که معلمان، کمی خویشتن‌داری از خود نشان دهند و از بروز ویژگی‌های شخصیتی خود پرهیز نمایند و بهانه‌ای جهت شلوغ کاری شاگردان به دست آنها ندهند.

سعی کنید در جلسه اول، خود را تثبیت نمایید

معمولاً بعد از اولین برخورد، قضاوت در مورد افراد شکل می‌گیرد. شما نیز در اولین جلسه‌ای که به یک کلاس می‌روید، از خودتان در ذهن شاگردان تصویری ایجاد می‌نمایید. سخت‌گیر است، مهربان است، تند است، آسان‌گیر است، باسواد است، خشن است و... در خصوص شما در ذهن بچه‌ها اتفاق می‌افتد؛ لذا باید سعی کنید در اولین جلسه قدرت و اقتدار خویش را جهت کنترل کلاس به دانش‌آموزان القا کنید تا آنها بدانند که هر وقت اراده کنید، کلاس در دست شماست. در غیر این صورت مشکل خواهد بود که بر اوضاع کلاس تسلط پیدا کنید. برای این که خود را تثبیت نمایید، به نظر می‌رسد اگر در جلسات اولیه از قدرت و اقتدار خویش بهره بگیرید و کم‌کم انعطاف را به کلاس برگردانید، ضریب موفقیت بالا خواهد بود.

نگرش شاگردان را نسبت به کلاس مثبت کنید

علل بعضی از بی‌نظمی‌ها و خطاها از ناحیه برخی از شاگردان در این است که آنها نسبت به کلاس دارای نگرش مثبت نمی‌باشند و از سوی خانواده نسبت به این امر توجیه نیستند و احیاناً با اجبار و تحمیل خانواده سر کلاس‌ها حاضر می‌گردند. یکی از راهکارهای مؤثر در

خصوص کنترل و هدایت این گونه شاگردان، تغییر نگرش آنها نسبت به کلاس است (مرتضی‌زاده، ۱۳۹۴).

راهکارهای دیگر برای اعمال مدیریت موفق در کلاس درس:

- الف) تأکید بر نکات مثبت
- ب) پرهیز از دست‌انداختن و مسخره‌کردن
- ج) پرهیز از تنبیه گروهی
- د) عدم استفاده از نمره برای تهدید
- ه) لذت‌بخش کردن یادگیری با روش شوخ‌طبعی
- و) عدم ارائه تکلیف درسی به‌عنوان عامل تنبیهی
- ز) استفاده از والدین برای کاستن از بدرفتاری (همان منبع)

انواع روش‌های مدیریت کلاس:

انتخاب روش صحیح مدیریت کلاس درس و سازمان‌دهی آن، از علائم موفقیت معلم به شمار می‌آید. انتخاب هرگونه شیوه مدیریتی، به سبک تدریس و هدف‌های معلم بستگی دارد. معلمان با به‌کارگیری روش مدیریت مناسب کلاس درس خود می‌توانند، در پرورش مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در کلاس خود مشاهده کنند. اداره‌کردن چنین محیطی، نیازمند تصمیمات آنی و اقدامات سریع و مداوم است و به مهارت‌های خاص مدیریتی و گاهی تلفیق از چند روش مدیریتی نیاز دارد. در این جا سه روش مدیریت کلاس درس ارائه می‌شود (سواری، ۱۴۰۰).

روش رفتارگرایانه:

در این روش معلم تصمیمی اتخاذ می‌کند که در کلاسش مشکلی پیش نیاید، معلم در ابتدای سال تحصیلی یک‌سری قوانین برای دانش‌آموزان وضع می‌کند و دانش‌آموزان باید آن‌ها را اجرا کنند. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس‌گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتارهای غیرمطلوب، در این روش مؤثر است. اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات کلاس، از این اقتدار بهره می‌جوید.

روش تعامل‌گرایانه:

در این روش مشکلات کلاس درس پیامد طبیعی حضور دانش‌آموزان است. کلاس یک

محیط یونیک و منحصر به فرد و موقعیت محور است که هر آن ممکن است اتفاقی بیفتد که جزء طبیعی کلاس است. در اینجا معلم پیش‌بینی کننده است؛ اما پیش‌بینی‌های او مبتنی بر دو فاکتور است؛ یکی فاکتور عواملی که حتماً اتفاق می‌افتد، دیگری عواملی که محتمل هستند؛ یعنی ممکن است اتفاق بیفتد یا نیفتد. در این روش هم پیامد طبیعی داریم هم غیرطبیعی

روش غیر مداخله جویانه:

حد وسط بین رفتارگرایی و تعامل‌گرایی است. در این روش مداخلات مستقیم معلم کم است و معلم مداخله‌ای نمی‌کند. هدف در اینجا رشد فردی دانش‌آموزان و آزادی آنهاست. در این روش معلم اقتدار خود را فدا می‌کند نه به این معنی که اقتدار او از بین رود به یک نفعی این را کنار می‌گذارد و این اقتدار سطحش متعادل‌تر می‌آید. این رویکرد مبتنی است بر رویکردهای مشاوره‌ای و روان‌شناختی و معلم حامی و تسهیل‌گر است. معلم و دانش‌آموز ارتباط خوب متقابلی با هم دارند. این روش حداقل اقتدار را دارد.

به‌طور کلی نمی‌توان گفت کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است. روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در کلاس درس او داشته باشد؛ بنابراین معلم باید روش‌های متعدد را در کلاس خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته به‌صراحت می‌توان گفت، شمار معلمانی که از نظر سبک یکی از روش‌های مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل‌گرایانه یا غیر مداخله‌جو را اعمال می‌کنند، اندک است. اکثر معلمان بدون این که از روش مدیریت کلاس درس خود آگاه باشند، ترکیبی از سه نوع مدیریت را مورداستفاده قرار می‌دهند. این معلمان روش مدیریت صحیح و علمی و استاندارد را در هر لحظه از زمان تدریس خود به کار می‌گیرند و کلاس درس آن‌ها همیشه فعال و زنده و پر از نشاط و انگیزه یادگیری است (سواری، ۱۴۰۰).

سازماندهی کلاس

سازماندهی کلاس یکی از مهم‌ترین عوامل برای کمک‌کردن به فراهم نمودن فرصت تدریس مؤثر است اگر کلاس درس به‌خوبی سازماندهی شود هر اندازه طرح درس به‌خوبی فراهم شده باشد راهی به‌سوی موفقیت نخواهد داشت.

معلم کلاس چندپایه، هم باید درس را سازمان بدهد و هم باید فضای فیزیکی کلاس را به‌خوبی سازمان بدهد. چگونگی آرایش میز و نیمکت در کلاس و نحوه بهره‌گیری از دیوارها و سقف و کف کلاس تأثیر زیادی برای عملکرد کلاسی معلم و دانش‌آموزان دارد. معلم

کلاس درس چندپایه متوجه توانایی طبیعی دانش‌آموزان برای شناخت و کنجکاو باشد و بر پایه این ویژگی دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری مناسبی را طراحی و به آنان ارائه دهد. شایسته است معلمان وظیفه ذاتی خود در کلاس درس را هم مورد توجه قرار دهند. یکی از وظایف معلم در کلاس درس پدیدآوری محیط یادگیری برانگیزنده است (صمدیان، ۱۳۸۶).

سازماندهی فیزیکی کلاس

- ۱- اختصاص دادن گوشه‌ای از دیوار کلاس برای نمایش کارهای دانش‌آموزان
- ۲- انتخاب گوشه‌های مناسب برای موضوعات مختلف. مثال: گوشه‌ای برای علوم و طبیعت و جغرافیا، گوشه کتاب، گوشه لوازم و کارگاه هنر، گوشه ریاضی، گوشه مغازه برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، گوشه خواندن، میز اکتشاف و...
- ۳- قراردادن میز معلم در جایی که دانش‌آموزان به سهولت با وی ارتباط داشته باشند.
- ۴- چیدمان میز و نیمکت‌ها: دانش‌آموزان در کلاس درس سه نوع فعالیت: توجه به تدریس معلم، انجام مطالعه انفرادی، انجام تکالیف درون کلاسی به صورت فردی و گروهی انجام می‌دهند. با توجه به این فعالیت‌ها، بهتر است چیدمان کلاس به سه بخش تقسیم گردد. قراردادن پایه‌های نزدیک به هم (چهارم و پنجم) در یک بخش از کلاس یکی دیگر از روش‌های چیدمان است (سواری، ۱۴۰۰).

روش‌های گروه‌بندی دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه

۱. گروه‌های دارای توانایی مختلط دانش‌آموزان قوی‌تر و ضعیف‌تر در یک گروه قرار می‌گیرند
۲. گروه‌های با توانایی‌های مشابه دانش‌آموزانی که پیشرفت کم‌وبیش یکسانی دارند
۳. گروه‌های اجتماعی دانش‌آموزان با زمینه مشابه اجتماعی با هم گروه‌بندی می‌شوند
۴. گروه‌های جنسیتی دختران در یک گروه و پسران در گروه دیگر سازماندهی می‌شوند
۵. گروه‌های علاقه‌مند همه دانش‌آموزان علاقه خود را در همان فعالیت یا موضوع نشان می‌دهند
۶. گروه‌های همسالان دوستانی که مایل به همکاری با یکدیگر هستند در یک گروه قرار می‌گیرند
۷. گروه‌بندی تصادفی دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن منظور خاصی در یک گروه قرار می‌گیرند

۸ گروه‌بندی زوجی دو دانش‌آموز با هم کار می‌کنند (حاجی‌زاده‌اسفدن، ۱۴۰۱).

شیوه کلاس محوری در کلاس‌های چندپایه

این روش به این دلیل روش محوری نامیده می‌شود که معلم محور تدریس خود را در یک جلسه ۴۵ دقیقه‌ای برای حداکثر سه پایه قرار می‌دهد و پایه‌های دیگر به فعالیت‌های فردی می‌پردازند در این شیوه پایه‌ای که توسط معلم اداره می‌شود پایه محور و بقیه پایه‌ها که به خود به فعالیت می‌پردازند گروه فرعی یا خود آموخت نامیده می‌شود و معلم یک نظارت غیرمستقیم بر آنها دارد.

از شیوه اداره کلاس به صورت محوری خیلی زیاد استفاده می‌شود هرچند به‌ناچار استفاده از این روش در کلاس‌های چندپایه به خصوص ۵ پایه ضروری به نظر می‌رسد؛ ولی معایب زیادی نیز دارد که استفاده از این شیوه اداره کلاس برای مدیر - آموزگاران چندپایه توصیه نمی‌شود در این روش تعاملات بین دانش‌آموزان و پایه‌ها خیلی زیاد نمی‌باشد (صمدیان، ۱۳۸۶).

شیوه آموزش گروهی در کلاس‌های چندپای

ماده درسی واحد در یک جلسه درسی به کلیه پایه‌های موجود در یک کلاس درس تدریس می‌شود که با یک موضوع و یا درس همسان نام‌گذاری می‌شود.

روش‌های پیاده‌سازی

الف) تدریس یک ماده درسی به تمام پایه‌ها به طور هم‌زمان:

آموزگار تدریس یک درس خاص را با تلفیق و ادغام مشترکات و مشابهت درس به تناسب اطلاعات قبلی فراگیران شروع کرده و پس از ارائه، مسائل اختصاصی را جداگانه در گروه‌ها مطرح می‌سازد این روش برای دروسی مثل نقاشی، خط، کاردستی، تدریس قرآن، حداکثر در سه پایه نزدیک و متجانس مثلاً پایه‌های سوم چهارم و پنجم تا حدودی عملی است در ۴۵ دقیقه

ب) تدریس ماده درسی واحد به کلیه پایه‌ها در یک جلسه به ترتیب نوبت:

مثلاً ساعت اول برای تمام پایه‌ها درس بخوانیم را در برنامه هفتگی در نظر گرفته و ابتدا به یکی از پایه‌ها به صورت محور چنددقیقه‌ای درس را ارائه داده و ...

ویژه‌سازی الگو و فنون تدریس

باتوجه به اینکه نوع و شیوه تدریس در یک کلاس درس با نوع و شیوه تدریس در کلاس دیگر متفاوت است و در واقع بافت یک کلاس با بافت کلاس دیگر متفاوت است معلمی

موفق است که بتواند الگوها و فنون تدریس را ویژه‌سازی کند؛ یعنی اینکه مطالب را باتوجه به شرایط و امکانات و بافت‌ها و موقعیت‌های مختلف سازماندهی کند و به کار بگیرد.

کلاس وارونه یا معکوس

یکی از ابزارهای مهم در کلاس‌های چندپایه همه دنیا به نحو احسن استفاده می‌شود و تحولی را در آموزش ایجاد کرده است مخصوصاً در زمان کرونا در کلاس‌های وارونه از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات معلم درس را از منزل به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد و تکالیفی را برای آنها مشخص می‌کند و دانش‌آموزان این تکالیف را به کلاس می‌آورند تا در کلاس بررسی شوند در حالت عادی معلم درس را در کلاس ارائه می‌دهد و تکالیف را به منزل می‌برد؛ اما در کلاس‌های وارونه درس را در منزل ارائه می‌دهند و تکالیف را در مدرسه بررسی می‌کنند (حاجی‌زاده‌اسفدن، ۱۴۰۱).

دانش‌آموزان چگونه یاد می‌گیرند؟

مشارکت فعال

یادگیری، مستلزم مشارکت فعال و سازنده یادگیرنده است. یادگیری در مدرسه، مستلزم توجه، مشاهده، یادسپاری، فهمیدن، تنظیم هدف‌ها و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است. چنین فعالیت‌های شناختی بدون مشارکت و درگیری فعال یادگیرنده امکان‌پذیر نیست. در کلاس درس ایجاد محیط یادگیری چالش‌انگیز که دانش‌آموزان را برای مشارکت فعال ترغیب کند، یکی از وظایف معلمان است.

مشارکت اجتماعی

یادگیری اساساً یک فعالیت اجتماعی است و مشارکت در محیطی اجتماعی نظیر مدرسه زیر بنای یادگیری است. تحقیقات نشان داده است همکاری سبب رشد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و ارتقا سطح یادگیری از طریق تعامل می‌گردد.

فعالیت معنادار

افراد زمانی بهتر می‌آموزند که بتوانند در فعالیت‌هایی شرکت کنند که از نظر فرهنگی مناسب‌اند و برای زندگی واقعی سودمند انگاشته می‌شوند. بسیاری از فعالیت‌های مدرسه‌ای معنادار نیستند، زیرا دانش‌آموزان نه فقط دلیل انجام آنها را نمی‌دانند، بلکه از هدف و سودمندی آنها هم آگاهی ندارند. در کلاس درس معلمان می‌توانند فعالیت‌های کلاسی را از طریق انجام آنها در بستر عینی معنادار سازند (برچ و لالی، ۱۳۷۹).

کلاس دانش‌آموز محور

همه ما علاقه‌مند هستیم که برای دانش‌آموزانمان فضایی آموزشی درست کنیم که تجارب یادگیری آنها غنی شود و از آنها دانش‌آموزی علاقه‌مند بسازیم و در آنها ایجاد انگیزه کنیم. همه ما دوست داریم که دانش‌آموزان میل زیادی به یادگیری داشته باشند و یادگیری موجب پر بار شدن و مسئولیت‌پذیری و خلق دانش در آنها شود و این زمانی برآورده می‌شود که دانش‌آموزان درگیر یادگیری باشند و دانش را پردازش کنند نه این که فقط اطلاعات را شنیده و یا حفظ کنند. آنها باید بتوانند با آگاهی راه‌حل یا راه‌حلهایی برای حل مسئله‌ها بیابند. در یک کلاس سنتی دانش‌آموز تشویق می‌شود که به درس گوش فرادهد و با گوش دادن یاد بگیرد؛ اما حفظ کردن حقایق هیچ‌گاه موجب یادگیری نمی‌شود. پیاز معتمد است که: «وقتی مطلبی را به کودکی یاد می‌دهیم، لذت کشف کردن را از وی دریغ می‌کنیم.»

در روش‌های فعال معلم به دانش‌آموز نشان می‌دهد که اشتباه و انجام راه‌های غلط امری عادی است و دانش‌آموز تشویق می‌شود که دوباره سعی کند و علت رسیدن به جواب‌های نادرست را پیدا کند. به قول جرج پولیا: «این دانش‌آموز است که باید با تلاش درونی، علم را از درون خود به پا کند» اگر یادگیری برای دانش‌آموز همراه با فعالیت و کشف باشد و با ایجاد گروه‌های کوچک به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه شود باعث افزایش توانایی استدلال و کشف پاسخ می‌شود. پس دو قسمت «کار در گروه‌های کوچک» و «بحث همگانی در گروه‌ها و در کلاس» از مهم‌ترین ویژگی‌های کلاس دانش‌آموز محور است. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند در گروه‌های کوچک به کارهای خود نظارت داشته باشند و آن را ارزیابی کنند و همکاری مشارکتی آنان با سایر اعضای گروه، باعث تقویت ذهنی آنها و کار کردن با افراد با توانایی‌های متفاوت می‌شود.

جمع‌آوری نظرهای گروه‌های کوچک و ارائه آن به کل کلاس همراه با بحث همگانی صورت می‌گیرد و باعث می‌شود تا با تنوع روش‌های حل مسئله روبرو شوند و در مورد انتخاب راه‌حل یا راه‌حلهای درست تصمیم‌گیری کنند. فعالیت گروهی مانع خسته شدن دانش‌آموزان در کلاس می‌شود و مشارکت آنها در حل تمرین افزایش می‌یابد و اضطراب آنها در مواقع امتحان کاهش و اعتماد به نفس آنها افزایش می‌یابد (یونسکو، ۱۳۹۴).

یادگیری در روش‌های فعال تدریس بر پایه اکتشاف و استقرار است و لذا در این روش‌ها چگونه یادگرفتن مهم‌تر از یادگرفتن است. در روش‌های تعاملی دانش‌آموزان روش یادگرفتن را نیز یاد می‌گیرند. وقتی دانش‌آموز بتواند آنچه را فراگرفته برای دیگران نیز توضیح دهد

یادگیری او بسیار بیشتر از زمانی است که از طریق گوش دادن یا خواندن اتفاق افتاده است. به‌علاوه مهارت‌های مهم زندگی مانند صحبت کردن، گوش دادن، استدلال و حل مسئله از طریق تجارب تعاملی تقویت می‌شود.

- برای اجرای مؤثر روش‌های فعال و تعاملی ایجاد تغییرات اساسی در بینش و نگرش معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و اولیای آنها، محتوای کتاب‌های درسی و محیط آموزشی ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

- فضای کلاس در ایجاد جو تعامل بسیار مؤثر است. فضای کلاس باید به‌گونه‌ای طراحی شود که موجب تسهیل تعامل شود. در کلاس‌هایی که معمولاً صندلی‌ها و نیمکت‌ها در یک صف و پشت‌سرهم قرار دارند و دانش‌آموزان قادر به دیدن هم‌کلاسی‌های خود نیستند، ایجاد فضای تعامل بسیار مشکل است. تقسیم کلاس به گروه‌های کوچک و آرایش دایره‌ای یا میزگردهای کوچک و یا نعلی شکل و تماس چهره‌به‌چهره نمونه‌هایی از آرایش کلاس درس است که باعث افزایش تعامل در کلاس می‌شود.

- علاوه بر ساختار فیزیکی، جو عاطفی کلاس باید به‌گونه‌ای باشد که به نظرات احترام گذاشته شود و دانش‌آموزان و معلم از تمسخر دیگران و طرد کردن آن‌ها اجتناب کنند.

- معلم باید تسهیل‌کننده فرایند یادگیری و مدیر یادگیری و مسئول سازماندهی محیط آموزشی باشد و نباید نظرات خود را به دانش‌آموزان تحمیل کند و با این کار باعث گسترش فرهنگ کثرت باوری می‌شود. تغییر ذهنیت فلسفی معلم یکی از پیش‌بایست‌های اساسی اجرای این روش‌ها است، لذا معلمان باید از آموزش‌های لازم در خصوص چگونگی اجرای این روش‌ها برخوردار باشند.

- معلم باید خطرپذیر باشد و ترس از شکست نداشته باشد. شکست بخش ضروری و ثمربخش فرایند نوآوری است. این همان سخن معروف آیزنهاور رئیس‌جمهور سالیان گذشته آمریکا است که: «هیچ نومی‌دی تا به حال جنگی را نبرده است.» لذا معلم باید با دلسوزی و تحمل مشکلات، دشواری‌های به‌کارگیری این الگو در کلاس‌های درس خود را از بین ببرد. منابع آموزشی نباید به معلم و کتاب‌درسی و فعالیت‌های کلاسی محدود شود. هر منبع یا موقعیتی که بتواند تفکر و قدرت استدلال و قضاوت دانش‌آموزان را تقویت کند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

- کثرت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس و محدودیت زمان آموزش از جمله محدودیت‌های اجرایی الگوهای تعاملی است. برای گسترش استفاده از این الگوها باید مسئولین نظام

آموزشی و برنامه‌ریزی درسی تعدیل‌هایی را در این زمینه ایجاد کنند.

- نظام ارزشیابی آموزشی و امتحانات کشوری با به‌کارگیری روش‌های ارزشیابی منطبق با روش‌های تعاملی زمینه استفاده هر چه بیشتر این الگو را در آموزش و تدریس فراهم آورد.

کلاس دانش‌آموز محور با موضوعی که معلم مطرح می‌کند آغاز می‌شود و معلم موضوع را به بحث می‌گذارد. دانش‌آموزان با افکار بکر و تازه‌ای در مورد موضوع مطرح شده، آشنا می‌شوند و گروه‌ها در مسئله به بحث گذاشته شده و راه‌های رسیدن به پاسخ سؤالات تحقیق می‌کنند (آقازاده و فضلی، ۱۳۸۹).

تفاوت تشویق و تمجید

تشویق به‌عنوان یک عامل بیرونی در نظر گرفته می‌شود و تمجید یک عامل درونی است. در تشویق دانش‌آموزان با انجام دادن یک کار، انتظار دریافت پاداش از معلم را دارند. این روش در مراحل اولیه یادگیری موجب ایجاد یک رفتار مناسب است؛ اما اگر ادامه پیدا کند منجر به یک آموزش در فضای سودگرایانه می‌شود که این مناسب اهداف تربیتی نمی‌باشد؛ بنابراین بهتر است بیشتر از تمجید استفاده شود. تشویق در مراحل اولیه و تمجید در ادامه کار صورت گیرد. دانش‌آموزان تمجید را بهتر از تشویق می‌پسندند (بیلر، ۱۳۷۶).

تکنیک‌های کاهش رفتار نامطلوب

روش‌های مثبت کاهش رفتار نامطلوب

- ۱- تقویت رفتارهای مطلوبی که به دفعات کم انجام می‌شود.
- فرض کنید که دانش‌آموزی تکالیفش را ناقص انجام می‌دهد؛ اما یک‌بار آن را کامل انجام داد در این جا باید او را تقویت کنیم تا این رفتار مطلوب در او تقویت شود.
- ۲- تقویت رفتارهای مطلوب دیگر (تقویت همه رفتارهای مطلوب به جز رفتاری که نامطلوب است).
- همه رفتارهای مطلوب تقویت می‌شوند به جز آن رفتاری که نامطلوب است.
- ۳- تقویت رفتار مغایر با رفتار نامطلوب (گوشه‌گیری)
- مخالف آن رفتار باید تقویت شود تا کم‌کم رفتار نامطلوب به فراموشی سپرده می‌شود.
- ۴- سیری یا اشباع
- آن قدر یک کار را انجام دهد تا به مرحله سیری برسد.
- معلم باید غالباً از این روش‌های مثبت کاهش رفتار نامطلوب استفاده کند.

روش‌های منفی کاهش رفتار نامطلوب

۱- خاموشی

متوقف شدن رفتار قبلاً تقویت شده بر اثر عدم تقویت؛ بنابراین با شناسایی و حذف منبع تقویتی یک رفتار نامطلوب می‌توان آن رفتار را از خزانه رفتاری فرد حذف کرد. این روش زمانی بهترین نتیجه را به بار می‌آورد که با استفاده از روش تقویت مثبت، رفتاری مطلوب به جای آن قرار گیرد.

۲- محروم کردن از تقویت

یعنی فردی را که رفتار نامطلوبی انجام داده است برای مدتی از تقویت محروم کنیم. مانند: اخراج کردن از میدان بازی، اخراج از کلاس. باید توجه داشت که روش محروم کردن در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که فرد از محلی در آنجا تقویت می‌شود به محلی که در آنجا تقویت نمی‌شود فرستاده شود.

۳- جریمه کردن

یعنی کم کردن مقداری از تقویت‌کننده‌هایی که فرد قبلاً به دست آورده است به خاطر رفتار نامطلوبی که انجام داده است. مثال: جریمه کردن رانندگان به خاطر تخلف. در رابطه با کاربرد جریمه باید توجه داشت که جریمه نباید خیلی سنگین باشد، یعنی باید با کوشش بیشتر قابل جبران باشد.

۴- جبران کردن

وقتی که فرد مرتکب عمل خلافی می‌شود، از او می‌خواهند تا برای جبران عمل خود دست به جبران بزند. مثال: جریمه کردن دانش‌آموزان. در این روش باید دقت کرد که خود عمل جبران برای فرد تقویت‌کننده نباشد.

۵- تنبیه

ارائه یک محرک آزارنده بعد از یک رفتار نامطلوب به منظور کاهش آن رفتار را می‌گویند. مثال: گفتن حرف زشت (دانش‌آموز) و سیلی زدن (معلم). آخرین حربه برای اصلاح رفتار تنبیه است که در بسیاری از نظام‌های آموزشی ممنوع است.

برای افزایش رفتارهای مطلوب دانش‌آموزان از چه تکنیک‌هایی می‌توان استفاده کرد:

توجه کردن

دانش‌آموز متوجه باشد که من معلم رفتار او را متوجه شدم

پاداش دادن

پاداش دادن در صورت ادامه دادن پاداش‌های بیرونی منجر به رفتارهای سودگرایانه دانش‌آموزان می‌شود

تحسین کردن

پاداش دادن به صورت نقدی نیست؛ ولی از لحاظ اجتماعی او را تایید می‌کنید؛ مثلاً آفرین

تقویت مثبت

ارائه یک محرک خوشایند برای افزایش یک رفتار نمونه آن، همان پاداش دادن است

تقویت منفی

از یک محرک خوشایند برای افزایش یک رفتار مورد نظر تقویت مثبت و منفی هر دو باعث افزایش یک رفتار مطلوب می‌شوند بار روانی تقویت مثبت خیلی زیاد است و بار روانی تقویت منفی بدون هیچ که بچه‌ها تصور می‌کنند که چیزی را از دست می‌دهند (بیلر، ۱۳۷۶).

برای پیشگیری از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان چه نکاتی را باید مدنظر قرارداد

۱- در بعضی از مواقع ما عوامل بی‌نظمی کلاس را باید به صورت انفرادی حل کنیم. یعنی اگر دانش‌آموزی در کلاس مشکل ایجاد کرد؛ به صورت فردی باید با او صحبت کنیم و از دلایل آن مطلع شویم

۲- منتظر برخی رفتارهای بی‌نظمی غیر قابل پیش‌بینی باشیم و خودمان را برای برخورد با آنها آماده کنیم

۳- دانش‌آموزان باید رفتارهای مطلوب معلم را بدانند؛ یعنی باید بدانند که انتظارات معلم چه چیزهایی است

۴- به رفتارهای نامطلوب واکنش جدی نشان دهید بعضی از رفتارهای نامطلوب شدت وحدت آنها به اندازه‌ای بالا است که در همان لحظه باید با آنها برخورد جدی صورت بگیرد؛ زیرا باعث هنجارشکنی است

۵- قوانین باید قابل درک باشند؛ یعنی بچه‌ها باید متوجه انتظارات و قوانین باشند و در سطح درک دانش‌آموزان باشد (لفرانسو، ۱۳۸۰)

تنوع فعالیت کلاسی چگونه می‌تواند از رفتار مخرب جلوگیری کند

بدین معنا که در طول زمان از انواع فعالیت‌ها استفاده کنید تا تنوع ایجاد شده و از رفتار مخرب جلوگیری شود. اگر ما فعالیت‌های یکنواختی ایجاد کنیم شاید در یک یا دو جلسه

اول دانش‌آموزان توجه کنند؛ اما به‌مرور زمان این عدم توجه به وجود می‌آید؛ چون یکنواختی موجب ملامت و خستگی انسان می‌شود. پس تا حد ممکن باید فعالیت‌های متنوع ایجاد کنیم که دانش‌آموزان هر بار با موقعیت جدیدی روبرو شوند و این موقعیت یک موقعیت ناآشنا برای اینها باشد؛ بنابراین روش‌های ارائه شده برای جلوگیری از رفتارهای مخرب در واقع روش‌هایی هستند که دانش‌آموز را به سمت‌وسوی فعالیت‌های آموزشی سوق می‌دهد (براون، ۱۳۸۲).

اهمیت توجه به زمان‌بندی در کلاس

بدین مفهوم که مغز انسان در کوتاه‌مدت خوب جواب می‌دهد؛ ولی در بلندمدت خیر. تحقیقات نشان داده است که برای کودکان ۸ ساله دوره‌های ۸ دقیقه‌ای صحبت کنید و سپس به فعالیت یا موضوع دیگری بپردازید. برای کودکان ۱۵ سال و بالاتر دوره‌های بیست دقیقه‌ای زمان مناسبی است و اگر بیشتر شود دوره مخرب به همراه دارد. با قطع‌بندی کردن این زمان‌ها متناسب با سن عقلی و رشدی دانش‌آموزان می‌توان از بروز رفتارهای مخرب جلوگیری کرد (همان منبع).

روش و عوامل قانون‌گذاری در کلاس

زمان‌بندی تنظیم قوانین

تنظیم و ارائه قوانین عملی و ساده در ابتدای سال تحصیلی به دانش‌آموزان یکی از تدابیر روشنفکرانه است که تأثیر به‌سزایی در برقراری نظم کلاس دارد؛ اما این بدین معنی نیست که تنها زمان مناسب برای قانون‌گذاری انضباطی ابتدای سال است (قوانین ابتدای سال تحصیلی وضع می‌شود؛ اما بنا بر شرایط ممکن است تغییر یابد) دانش‌آموز باید بداند که این قوانین و مقررات می‌توانند تغییر یابند یا اصلاح شوند و این گونه نیست که همواره ثابت و بدون تغییر هستند.

هر تغییر و اتفاقی می‌تواند بهانه‌ای برای اصلاح یا تکمیل قانونمندی کلاس باشد و بدیهی است که این قوانین بنا بر وضعیت کلاس درس معلم شاگردان و بسیاری شرایط دیگر می‌تواند متفاوت باشد؛ اما بعضی قوانین وجود دارد که رعایت آنها برای همه کلاس‌ها لازم و ضروری است (تیلستون، ۱۳۹۱).

قوانین قابل اجرا در کلاس درس

قانون اول موبایل خاموش

امروزه گسترش ارتباطات و موبایل علاوه بر هزار فایده‌ای که دارد می‌تواند عاملی در اختلال

نظم و یادگیری در کلاس درس باشد با وضع این قانون به دانش‌آموزان اعلام نمایید که موبایل به کلاس نیاورند یا اگر آوردند خاموش کنند این قانون در دوره ابتدایی وجود ندارد؛ اما در دوره‌های بعد می‌توان از آن استفاده کرد.

قانون دوم قطع نکردن سخن دیگران

یکی از مهم‌ترین رفتارهایی است که انتظار دارید دانش‌آموزان به آن پایبند باشند معمولاً دانش‌آموزانی که برای پایان یافتن نظر و سخن دیگران منتظر نمی‌مانند جز افرادی هستند که با دقت به نظر دیگران گوش نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند افکار خود را ترویج دهند و همین امر باعث می‌شود که یادگیری آنها روند کندی داشته باشد معمولاً چنین نظراتی مطرح و کامل نیستند و موجب انحراف دقت دیگر فراگیران می‌شود با وضع این قانون هنر گوش‌دادن را به آنان می‌آموزیم.

قانون سوم نحوه چینش شاگردان

بهتر است چینش فراگیران به صورت نیم‌دایره در کلاس درس باشد تا معلم به آنها اشراف داشته و تمامی حرکات آنها را مدنظر قرار دهد و این امر باعث می‌شود که دانش‌آموزان خاطی که در اکثر مدارس وجود دارند نتوانند محل نظم و آسایش سایرین قرار گیرند به آنها تذکر می‌دهیم که هیچ‌کس حق جابه‌جایی صندلی خود را ندارد مگر با کسب اجازه معلم در کلاس این امر باعث نظم ویژه می‌شود.

قانون چهارم عدم تأخیر و نداشتن غیبت

و از این قانون در ابتدای سال باعث می‌شود که سعی کنند غیبت نداشته باشند و خود را در وقت مشخص به کلاس برسانند و به آنها متذکر می‌شویم که از اولیای مدرسه جهت مرخصی و مجوز استفاده کنند لازم است خود معلم هم قانون را رعایت کند

اجرای این قانون توسط معلم و شاگردان نتیجه جالب آن را عملی درک خواهید کرد و اگر شاگردی تأخیر داشت با طرح یک پرسش از او در مورد موضوع تدریس ایشان را به جرگه تدریس وارد کنید و این کار هم نوعی تنبیه است که سعی می‌کند تکرار نکند این بهتر است تا به او بگویید چرا دیر آمده است کشور ژاپن بسیار در نظم و انضباط فعالیت می‌کنند و خیلی پایبند هستند.

قانون پنجم امتحان و ارزشیابی

در جلسه اول شیوه تدریس امتحان نوع امتحان چگونگی و زمان برگزاری امتحانات مستمر هفتگی و ماهانه را با آنها قرار دهید و تأیید آنها را از شاگردان بخواهید و آنچه در این مورد

لازم و ضروری برای آنها توضیح و خودتان عامل بدان شوید و تخطی نکنید.

قانون ششم قاطعیت داشتن

معلم خوش‌رو و مسلط همواره پل ارتباطی خوبی بین خود و شاگردانش ایجاد می‌کند که این امر به توجه بیشتر دانش‌آموزان می‌انجامد؛ اما این امر قاطعیت معلم را از بین نمی‌برد چنین معلمی هرگز از قدرت و علم و شأن خود نمی‌گوید و اگر یادآوری یک تجربه شخصی را لازم بداند آن را به‌دور از خودنمایی و به‌اختصار بیان می‌کند که دانش‌آموزان احساس کنند که ممکن است مورد پرسش واقع شوند و به‌این‌ترتیب ذهن آنها همواره درگیر موضوع درس است

شایستگی مجموعه‌ای درهم‌تنیده از دانش، مهارت و نگرش است و این قابل‌تفکیک از هم نیست. مدیریت کلاس یعنی کاری کنم که کارها به سمت جلو پیش برود و مشکل به وجود نیاید. رهبری یعنی نفوذ بر قلب‌ها یعنی دانش‌آموزان معلم را درونی دوست داشته باشند و معلم را مقتدر و شخصیت او را کاریزماتیک و فرمند و فرهمند بدانند و او را بپذیرند و معلم الهام‌بخش دانش‌آموزان باشد (تیلستون، ۱۳۹۱).

موانع برقراری ارتباط با دانش‌آموزان

عوامل متعددی در برقراری ارتباط صحیح در یک کلاس درس مانع ایجاد می‌کند به طوری نمونه:

تفاوت‌های زبان، لهجه و تعصبات و پیش‌داوری‌ها

در جوامع چندفرهنگی یا چندزبانه این امر به‌شدت وجود دارد حتی در خوابگاه‌های دانشگاه‌هایی در دانشگاه‌های بزرگ که از قومیت‌های مختلف هستند تفاوت‌های زبان، لهجه، تعصبات و پیش‌داوری‌ها یک مانع ارتباطی جدی است. معلم باید این فرهنگ را به وجود آورد که تمامی زبان‌ها و لهجه‌ها و قومیت‌ها و مذاهب در کشور ما محترم شمرده می‌شود و هر کدام در جایگاه خود قابل‌احترام است و این تنوع‌ها می‌تواند به هوش بیشتر افراد کمک کند.

برای رفع مشکل دوزبانگی می‌توان فعالیت‌هایی در نظر گرفته شود که بتواند به زبان اصلی (فارسی) صحبت کند. به‌عنوان مثال برود و اخبار گوش کند و خلاصه اخبار را توضیح بدهد. یا به‌عنوان مثال برنامه پیش‌بینی آب‌وهوا را ببیند و بعد خلاصه آن را در کلاس ارائه دهد. هرچقدر دانش‌آموز تشویق شود به اینکه به زبان فارسی بیشتر صحبت کند تحت

فعالیت‌های مختلف، می‌تواند به راحتی مشکل دوزبانگی حل کند.

جذاب نبودن پیام و معنی برای مخاطبان

یادگیری باید معنی‌دار باشد و ارتباطی میان آموخته‌های قبلی و مطالب جدید وجود داشته باشد. مطالب وارد زندگی بچه‌ها شود و آن‌ها ارتباط مطالب را با زندگی درک کنند، اگر پیام جذاب نباشد و دانش‌آموزان نتوانند آن‌ها را در ساخت شناختی خود وارد کنند این امر یک مانع ارتباطی است.

تسلط ضعیف یکی از طرفین در پردازش و تجزیه و تحلیل مناسب

اگر معلم مطالب را خوب تجزیه و تحلیل نکند یا دانش‌آموز مطالب را خوب پردازش نکند این عدم پردازش طرفین یک مانع ارتباطی است. چه معلم این مطالب را بد توضیح دهد، چه دانش‌آموز اینها را بد برداشت کند. پس آن فهم مشترک، آن پردازش مشترک معلم و دانش‌آموز در برقراری ارتباط بسیار حائز اهمیت است.

نبودن یا کمبود انگیزه جهت تداوم پیام

نداشتن انگیزه یک مانع ارتباطی است، بنابراین معلم باید یک انگیزه‌بخش دائمی باشد و به شکل‌های مختلف به دانش‌آموز انگیزه بدهد. دائماً به دانش‌آموزان بپردازد و به آن‌ها انگیزه دهد. صداکردن دانش‌آموزان به اسم یکی از مواردی است که به آن‌ها انگیزه می‌دهد، ارتباط مطالب با زندگی شخصی آن‌ها یا بازنگری واقعی در دنیای بیرون انگیزه‌بخشی می‌کند. عدم انگیزه در دانش‌آموزان مانع جدی ارتباطی است (فتاحان، ۱۴۰۰).

انواع تکلیف منزل

تکالیف تمرینی

یادگیری و آموزش اتفاق افتاده و می‌خواهیم دانش‌آموزان را به کار بگیرد تا تثبیت بیشتری شود پس هر وقت مهارت کسب شد و آموخته انجام نشد و تکالیفی را در راستای بهتر شدن و تثبیت آن آموخته ارائه دادیم به آن تکلیف تمرینی می‌گویند ایجاد فرصت برای انجام دادن مهارت‌های کسب شده و به کارگیری آموخته‌های جدید مثلاً مثلث را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهیم و بعد به او تکلیف می‌دهیم در منزل هر چیز سه‌گوشی را که می‌بیند اسمش را بنویسد؛ یعنی دانش‌آموز معنی و مفهوم سه‌گوش را یاد گرفت و در منزل به دنبال مصادیق آن است که به آن تکلیف تمرینی می‌گویند.

تکالیف آمادگی

از این نوع تکلیف وارد کردن دانش‌آموز به کسب زمینه‌های اطلاعاتی به منظور آماده‌شدن

برای بحث روز بعد که به آن تکالیف آمادگی هم می‌گویند؛ یعنی درس اصلی و آموخته اصلی هنوز اتفاق نیفتاده است.

تعیین اهداف آموزشی برای دانش‌آموزان چگونه می‌تواند به خودارزیابی آنان کمک کند؟

به دانش‌آموزان اجازه دهیم هدف‌گذاری کند و مثلاً بگویید من می‌خواهم در این کلاس درس تا فلان درجه پیشرفت کنم و هدف خود را مشخص و از معلم کمک بگیرد تا به آن برسد.

ما یک هدف‌گذاری داریم و یک اصلاح هدف. گاهی اوقات دانش‌آموزان هدف‌هایی را در نظر می‌گیرند که این هدف‌ها؛ هدف‌های سطح بالایی نبوده است و می‌خواهند آنها اصلاح کنند پس معلم باید به آنها کمک کند و با کمک خود دانش‌آموز و تصمیم‌گیری خود دانش‌آموزان آن را اصلاح کند و در واقع معلم تسهیل‌گر است و خود دانش‌آموز هدف‌های خود را باید اصلاح کند.

۱. به دانش‌آموز کمک کنید هدف‌گذاری کند. یعنی دانش‌آموز بداند هدف چیست و چگونه می‌تواند هدف‌گذاری کند و ویژگی هدف چیست

۲. به دانش‌آموز کمک کنید تا اهدافی را برای یادگیری و رفتار خود تعیین کند

۳. بیشتر روی گسترش درک مطلب تکیه داشته باشید تا نشان دادن برتری در توانایی یا عملکرد بهتر از سایرین

۴. اهداف کلی و مبهم را با تعریف اهداف فرعی و عینی به اهداف مشخص تبدیل کرده و دست‌یافتنی‌تر باشد

۵. برای پایبندی به اهداف از بازخورد دادن پی‌درپی و مستقیم و هدفمند استفاده کرد

۶. به دانش‌آموز یاد دهیم که هدف‌محور باشند

۷. به دانش‌آموز کمک کنید اهداف مشخص کوتاه‌مدت داشته باشند

۸. به دانش‌آموز کمک کنید اهداف بلندمدت داشته باشند

۹. به دانش‌آموز کمک کنید تا مجموعه‌ای از اهداف را دنبال کند (حاجی‌زاده‌اسفدن، ۱۴۰۱).

برای رفع ضعف بنیه علمی دانش‌آموزان چه کار باید کرد؟

ما می‌توانیم از روش‌های مختلف گروه‌بندی با توجه به شرایط کلاس استفاده کنیم، راهکار دیگر اینکه از نمونه تمرین‌های مختلف برای دانش‌آموزان استفاده کنیم، تمرین‌های متنوع، تدریس فعال، مشارکت دانش‌آموزان. از روش‌های ایجاد نظم در کلاس درس استفاده کنیم.

ایجاد انگیزه در کلاس درس و یادگیری معنادار (برای یادگیری معنی‌دار هر موضوعی لازم است در ابتدا ما اطلاعات و داده‌های کافی را در ذهنمان داشته باشیم، آنچه آزرابل از آن به‌عنوان ساخت شناختی یاد می‌کند و مرتبط کردن اطلاعات جدید به اطلاعات قبلی) به‌این‌ترتیب با تدابیر مختلف می‌توانیم به رفع ضعف بنیه علمی دانش‌آموزان اقدام کنیم (همان منبع).

۱۰ ترفند داشتن کلاس درس مفید و پر آرامش

۱. کودکان از ما پیروی می‌کنند!

اگر وقتی عصبانی می‌شویم، صدای خود را بلند کنیم، آنها نیز چنین خواهند کرد. اگر آرامش خود را حفظ کنیم و سعی کنیم مسائل را در آرامش حل کنیم، آنها تنظیم هیجانانشان را سریع‌تر یاد می‌گیرند. اگر وقتی اشتباه می‌کنیم عذرخواهی کنیم، آنها یاد می‌گیرند که همین کار را انجام دهند. اگر با آنها با احترام و همدلی رفتار کنیم، آنها با دیگران با احترام و همدلی رفتار خواهند کرد.

۲. کودکان به ارتباط پاسخ می‌دهند!

کودکان به طور طبیعی به سمت والدین خود جهت‌گیری دارند. وقتی به مدرسه وارد می‌شوند به دنبال یک بزرگسال برای پیروی کردن از او می‌گردند. برای اینکه کودکان شما را انتخاب کنند، به گرمی با آنها ارتباط برقرار کنید. هنگامی که کودک احساس سردرگمی کرد می‌توانید با ارتباط برقرار کردن با او احساس امنیت را به موقعیت بازگردانید. گاهی اوقات این همه چیز است که کودک برای جمع‌وجور کردن خودش به آن احتیاج دارد.

۳. کودکان به انگیزه دادن، بهتر از کنترل کردن پاسخ می‌دهند!

همه انسان‌ها در برابر اجبار مقاومت می‌کنند و کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. کودکان به سؤالات مربوط به عدالت علاقه‌مند هستند، پس چرا از کودک نپرسیم که به نظر او کلاس به چه قوانینی احتیاج دارد؟ و چرا؟ و این یکی از ۱۰ ترفند داشتن کلاس درس مفید و پر آرامش است. نگران نباشید، آنها بیشتر از چیزی که فکر می‌کنید ممکن است ضروری باشد، به شما قوانین و مقررات پیشنهاد خواهند داد. وقتی کودکان در ایجاد قوانین دخالت داده شوند، بیشتر احتمال دارد که آن قوانین را از آن خود بدانند و به آنها عمل کنند.

قوانین توافق شده را بنویسید و به دیوار بزنید. (سعی کنید کوتاه باشند تا کودکان

بتوانند آنها را به‌خاطر بسپارند.) در صورت لزوم به آنها در جهت اصلاح و یا اضافه‌کردن قوانین جدید کمک کنید.

۴. نگهداری پیشگیرانه از خرابی جلوگیری می‌کند!

از آنجاکه معلم نمی‌تواند همه چیز را رها کند و به کودکی که خرابی به بار آورده است رسیدگی کند، پس بهتر است از هر نوع خرابکاری پیشگیری کند. وقتی می‌توانید، با همدلی به آنچه کودک بیان می‌کند پاسخ دهید. مطمئن باشید که روزانه، حتی برای مدت کوتاهی با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کنید. اگر می‌بینید که مشکلی در حال پیچیده‌شدن است، قبل از اینکه کودک آرامش خود را از دست بدهد، با او ارتباط برقرار کنید و از او بشنوید که چه چیزی او را ناراحت کرده است.

به یاد داشته باشید که خنده و مسخره‌بازی اغلب می‌تواند تنش موجود در وضعیت را کاهش دهد. در حقیقت، بعد از اینکه کودکان فرصتی برای خندیدن با صدای بلند می‌یابند، هورمون‌های استرس در گردش خون کاهش پیدا می‌کنند و به آنها در آرام‌شدن و همکاری کمک می‌کند.

۵. همدلی می‌تواند یک چوب جادویی باشد!

بهتر است دانش‌آموزان را به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم کنید و با گوش‌دادن به "شکایات" یا نگرانی‌های مختلف دانش‌آموزان (در مورد هر چیز پیش‌پافتاده‌ای که آنها را آزار می‌دهد) ۵ دقیقه قبل از شروع کار آموزشی، از مزایای همدلی استفاده کنید. بدین ترتیب آنها بسیار بیشتر برای تمرکز کردن روی درس آماده خواهند بود. حتماً نیازی نیست مشاوره بدهید و یا مشکلی را حل کنید، فقط کافی است با همدلی به آنها گوش دهید.

۶. کودکان دلیلی برای آنچه انجام می‌دهند دارند!

اگر می‌خواهیم رفتار کودکان را تغییر دهیم، باید این را بدانیم که آنها فقط برای اینکه ما را دیوانه کنند، بعضی کارها را انجام نمی‌دهند. اگرچه این رفتارها غیرقابل قبول هستند، اما اگر کودکی هنگام درس‌خواندن بلند صحبت می‌کند، اگر به میز جلوی پایش می‌کوبد، اگر بغل‌دستی‌اش را هل می‌دهد یا ... دلیلی برای کارش دارد. (شاید صدای خودش به او کمک می‌کند که بهتر تمرکز کند، شاید پایش را به میز می‌کوبد برای اینکه انرژی زیادی برای تخلیه کردن دارد، و یا شاید هم کلاسی‌اش خیلی به او می‌چسبد و او را ناراحت می‌کند) البته که برای حفظ امنیت و تمرکز همه دانش‌آموزان باید در کلاس خود محدودیت‌هایی تعیین کنید. اما درک اینکه کودک برای رفتارهایش دلیلی دارد به شما

کمک می‌کند محدودیت‌هایشان را به روشی تنظیم کنید که کودک از آن پیروی کند.

۷. کودکان فرصتی برای اصلاح خطاهایشان می‌خواهند، تا بتوانند نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند.

در مورد نحوه اصلاح اشتباهات در کلاس صحبت کنید. وقتی دانش‌آموزی به دانش‌آموز دیگری صدمه می‌زند، بهترین راه برای ترمیم آن رابطه چیست؟ آیا کودکی که صدمه را وارد کرده باید تنبیه شود؟ یا باید به او کمک شود تا رفتارش را جبران کند؟ چگونه می‌توانیم بحث را تسهیل کنیم تا هر دو کودک بتوانند یاد بگیرند نیازهای خود را بدون حمله به کودک دیگر بیان کنند؟ شما از شنیدن حرف‌های بچه‌ها در این باره چیزهای زیادی خواهید آموخت و در پایان برای کمک به پیشگیری و رسیدگی به اختلافات، پروتکلی ارائه دهید که شامل تنبیه نیست.

۸. هنگامی که کودکان دچار سردرگمی و بی‌نظمی می‌شوند، برای بازگرداندن تعادل خود به حمایت نیاز دارند.

بیرون کردن دانش‌آموزان از کلاس باعث می‌شود احساس بدی نسبت به خود داشته باشند و این به خودتنظیمی آنها کمکی نخواهد کرد. در عوض، سعی کنید به کودکان کمک کنید تا با "گوشه‌ای دنج ایستادن" احساسات خود را کنترل کنند و روی خودتنظیمی خودکار کنند.

به جای اینکه آن مکان را به مکانی شرم‌آور تبدیل کنید، مثل "صندلی بیرون از کلاس"، آن را به یک فضای مثبت مثلاً "صندلی پیداکردن آرامش" تبدیل کنید که هر زمان کودکان به آن نیاز داشتند به آنجا بروند. به کودکان اجازه دهید تا به شما بگویند چه چیزی هنگامی که ناراحت هستند به آنها کمک می‌کند که آرام شوند. می‌توانید تکنیک‌های آرام‌سازی که کودکان می‌توانند انجام دهند مثل تنفس‌های عمیق را انجام دهید.

۹. هنگامی که نیازهای کودکان برآورده می‌شود، آنها آماده همکاری هستند.

همه کودکان نیاز دارند حرکت کنند، و اغلب برای کودکان خیلی سخت خواهد بود که برای مدت طولانی بی‌حرکت یک جا بنشینند و تمرکز کنند. تشخیص نیاز کودکان ممکن است کار سختی باشد، اما اگر ما به اندازه کافی به آنها توجه کنیم، تماشا کنیم و بشنویم، آنها خودشان نیازهایشان را نشان خواهند داد و تعهد ما در حمایت از کودک برای تأمین نیازهایش به روشی سالم‌تر، ممکن است او را تا آخر عمر در مسیر درست قرار دهد.

۱۰. کودکان مطابق انتظارات ما زندگی می‌کنند.

کودکان خودشان را در انعکاس چشم‌های ما می‌بینند و تصور می‌کنند که ما کاملاً دربارهٔ اینکه آنها چه کسی هستند درست فکر می‌کنیم. بیشتر ما بزرگسالان می‌توانیم از معلمی یاد کنیم که تغییر بزرگی در زندگی‌مان ایجاد کرده است. به‌طور قطع، آن معلم به ما ایمان داشت و به ما کمک کرد تا بتوانیم از پتانسیل‌های خود استفاده کنیم. ایمان به کودک ممکن است بزرگ‌ترین هدیه‌ای باشد که می‌توانیم به او هدیه کنیم (صیادی و همکاران، ۱۳۸۶).

ویژگی معلم توضیح‌دهنده، مشارکت دهنده و توانمندساز

معلم توضیح‌دهنده بر موضوع درس تسلط دارد؛ اما آگاهی او از روش تدریس اندک است. تدریس او بر محور سخنرانی و توضیح استوار است و برخی از دانش‌آموزان با او همراه هستند. دانش شناختی خوبی از موضوع دارد و دائم به فکر سخنرانی در کلاس درس است و فضای کمی را برای مشارکت قرار می‌دهد. او فکر می‌کند خودش انسان بالغی است و دانش‌آموزان نابالغ هستند؛ برخی از دانش‌آموزان این معلم را می‌پسندند؛ اما منجر به رشد شناختی عاطفی هیجانی و اخلاقی دانش‌آموز نمی‌شود.

معلم مشارکت دهنده بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن با روش‌های تدریس آشناست. چنین معلمی می‌کوشد تا از فعالیت‌های جالب بهره‌گیرد. دانش‌آموزان در کلاس مشارکت می‌کنند و درعین حال مدیریت صحیحی را در کلاس اعمال می‌کنند و مدیریت اصلی دست معلم است (همان منبع).

محاسن کلاس‌های چندپایه

(۱) آموزش چندپایه یک روش کارآمد و سودمندی برای ارائه آموزش بنیادی در مناطق کم‌جمعیت است.

(۲) شواهد گویای آن است که در زمینه‌های ریاضی، زبان، علوم آموزش چندپایه‌ای سبب پیشرفت دانش‌آموزان می‌شود.

(۳) دانش‌آموزان از این طریق دسترسی بیشتری به فضاها و امکانات آموزشی پیدا می‌کنند.

(۴) دانش‌آموزان در این روش مهارت‌های فراشناختی را یاد می‌گیرند؛ زیرا یاد می‌گیرند چگونه یاد بگیرند و چگونه یاد بدهند.

(۵) باعث به‌وجود آمدن تعامل گروهی در بین دانش‌آموزان می‌شود. (آموزش توسط دانش‌آموزان به یکدیگر)

(۶) در این کلاس‌ها می‌توان برخی از عقب‌ماندگی‌های دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر را با

قراردادن آن‌ها در جریان آموزشی پایه‌های پایین‌تر جبران کرد. مثلاً وقتی جمع دورقمی با دورقمی را برای پایین‌تر تدریس می‌کنیم اگر کسی از پایه بالاتر متوجه نشده دوباره یاد می‌گیرد. یا در پایه دوم دانش‌آموزی نمی‌تواند صداها را کاملاً تشخیص دهد ما می‌توانیم هنگام تدریس صدای جدید به پایه اول این دانش‌آموز نیز در جریان آن آموزش به‌صورت غیرمستقیم قرار دهیم.

(۷) در وقت و هزینه می‌توان صرفه‌جویی کرد. به این ترتیب که معلم می‌تواند از برخی وسایل آماده شده برای همه پایه‌ها استفاده کند.

(۸) آموزش پایه‌های پایین‌تر توسط پایه‌های بالاتر و همکاری افراد قوی‌تر در یادگیری افراد ضعیف‌تر که دو اصطلاح روان‌شناسی سازنده گرا و فرهنگی - اجتماعی (منطقه تقریبی رشد و یادگیری به‌وسیله همسان خبره) را مورد تأیید قرار می‌دهد. ویگوتسکی مفهوم منطقه تقریبی رشد را مطرح می‌کند و معتقد است که هر دانش‌آموز یادگیری‌اش مثل یک ظرف است که علاوه بر آن ظرف اطراف آن را هم در بر می‌گیرد. این حاشیه از طریق آموزش، دانش‌آموز پایه‌های بالاتر به دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر امکان‌پذیر است. یادگیری از طریق همسالان و هم‌پایان منجر به تحقق این نظریه می‌شود که دانش‌آموزان می‌توانند رشد بیشتری داشته باشند.

(۹) دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر در جریان تکرار دروس سال‌های قبل خود قرار گرفته این دروس برای ایشان تکرار شده و یادگیری آنها عمیق‌تر می‌شود و بالعکس دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر تا حدودی با درس‌های سال‌های بالاتر آشنا می‌شوند و این خود پس‌زمینه‌ای برای یادگیری وسیع‌تر خواهد بود.

(۱۰) استفاده از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به‌عنوان معلم یار (خلیفه) باعث تقویت حس همکاری و نوع‌دوستی بین آن‌ها و سایر دانش‌آموزان می‌شود.

معایب کلاس‌های چندپایه

(۱) عدم امکان استفاده از یک روش

(۲) معلم نباید و نمی‌تواند فقط باتکیه بر یک روش به ارائه محتوا بپردازد

(۳) بدون داشتن طرح درس روزانه وارد کلاس‌های درس چندپایه شدن بسیار اشتباه است
حتماً معلم باید طرح درس روزانه داشته باشد

مشکلات و مسائل کلاس‌های درس چندپایه

یکی از مسائل اساسی در کلاس‌های چندپایه، نیروی انسانی است. در این کلاس‌ها معمولاً

معلم علاوه بر تدریس محتوای آموزشی، امور اداری مربوط به مدیر، معاون، متصدی امور دفتری و وظایف مربی بهداشت، معلم ورزش و... را نیز عهده‌دار است و از سوی دیگر او باید به‌عنوان یک پژوهشگر در آموزش کیفی و یک مشاور اجتماعی نیز ایفای نقش کند. این در حالی است که هیچ انگیزه اجتماعی، اقتصادی ویژه‌ای برای آن‌ها فراهم نشده است و افراد علاقه‌مند و شایسته حرفه معلمی تمایلی به خدمت در این کلاس‌ها ندارند.

از سوی دیگر حق معلمان فارغ‌التحصیلی مراکز تربیت‌معلم هم برای تدریس در این کلاس‌ها، آمادگی، اطلاعات و تجربه مناسب ندارند و از هیچ آموزش پیش از خدمتی که زمینه‌ساز تجربه عملی و تفکر درباره تدریس چندپایه باشد، برخوردار نیستند. در مجموع برای معلمان چندپایه آموزش جداگانه وجود ندارد و آن‌ها ناچارند از طریق تجربه و آزمایش، روش‌هایی را مورداستفاده قرار دهند و هیچ تدبیری جهت ارتقای توانایی‌ها و صلاحیت ایشان جهت به‌کارگیری روش‌های مؤثر تبادل تجارب و اطلاعات و... اندیشیده نشده است. این دیدگاه که معلمان آموزش‌دیده برای تدریس تک‌پایه به‌طور اتوماتیک می‌توانند در کلاس‌های چندپایه تدریس کنند، غیرقابل قبول است و مخصوصاً که از کم‌تجربه‌ترین افراد در دسترس (سرباز معلم، آموزشیاران نهضت سوادآموزی، بومیان باسواد و...) برای اداره این کلاس‌ها استفاده می‌شود.

در مجموع مشکلات خاصی همچون کمبود وقت، نقصان تجربه و کمبود اطلاعات معلمان مدارس چندپایه در امر تدریس و کلاس‌داری حرفه‌ای، نامناسب بودن فضای آموزشی و کمبود کلاس درس، عدم هماهنگی بین مدرسه و خانواده و کمبود تجهیزات آموزشی منجر به نارضایتی معلمان می‌گردد مخصوصاً در مواردی که معلم به‌عنوان مدیر، دفتردار، خدمتگزار، معاون ایفای نقش می‌کند و در کلاس نیز باید بیش از یک معلم تک‌پایه مهارت، توانایی و اطلاعات داشته باشد (برچ و لالی، ۱۳۷۹).

راه‌حل‌های پیشنهادی

مشکلات کلاس‌های چندپایه را در دو بخش آموزشی و غیرآموزشی مطرح می‌کنیم و برای هر کدام چند راه‌حل ارائه می‌دهیم:

الف) مشکلات آموزشی

کمبود وقت: برابر جدول دروس مصوب وزارت آموزش و پرورش هر پایه ابتدایی ۲۴ ساعت در هفته درس دارد. اگر کلاس پنج‌پایه باشد، معلم باید ۱۲۰ ساعت فعالیت آموزشی و تدریس را در قالب ۲۴ ساعت برنامه‌ریزی کند. در واقع فرصت‌های یاددهی و یادگیری در

یک کلاس پنج‌پایه به یک‌پنجم کاهش می‌یابد.

راه حل ۱: کاهش دادن پایه‌ها

باتوجه‌به این که معمولاً معلمان کلاس‌های چندپایه در محل خدمت خود بیتوته می‌کنند، می‌توانند برنامه آموزش و تدریس خود را بر مبنای ۳ پایه در صبح و ۲ پایه در بعدازظهر طرح‌ریزی کنند. به این معنا ضمن این که همه دانش‌آموزان تحت تعلیم در مدرسه حضور دارند، در نوبت صبح فقط سه پایه به‌عنوان محور در کار یادگیری شرکت دارند و دوپایه دیگر به انجام تکالیف، فعالیت‌های پژوهشی، دست‌ورزی، فعالیت‌های هنری و تربیت‌بدنی و... مشغول‌اند. این روش علاوه بر افزایش ۴۰ درصدی وقت در فرایند آموزشی، در صورت نزدیک بودن پایه‌ها به همدیگر، از لحاظ روانی منجر به احساس آرامش دانش‌آموزان می‌شود و مدیریت کلاس را تسهیل می‌نماید.

راه حل ۲: تفاوت زمان استراحت

در مدارس ابتدایی بعد از هر ۴۵ دقیقه آموزش، ۱۵ دقیقه برای استراحت برنامه‌ریزی شده است که هر کلاس در طول روز ۳ بار از فرصت استراحت استفاده می‌کند. اگر زمان استراحت طوری تنظیم شود که دانش‌آموزان به طور متناوب از این فرصت بهره‌گیرند، به میزان قابل‌ملاحظه‌ای در زمان صرفه‌جویی خواهد شد. با این روش فقط معلم کلاس مربوطه دچار مشکل می‌شود که می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق این نقیصه را جبران نماید.

راه حل ۳: استفاده از وجود شاگرد معلم

استفاده از برخی دانش‌آموزان برای تدریس به بعضی دیگر، پدیده جدیدی نیست. این روش آموزش که با عنوان‌های مختلف مانند شاگرد معلم، معلم یار، خلیفه و... نامیده می‌شود برای اولین بار پیش از قرن هیجدهم در انگلستان برای مبارزه با نابرابری‌های آموزشی مطرح شد و در مدارس مونته - سوری نیز مورد استفاده قرار گرفت. سابقه این نوع از آموزش در ایران به مکتب‌خانه‌های قدیم بر می‌گردد. این روش در حال حاضر در کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، فرانسه، سوئد، بلژیک و روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این روش از دانش‌آموزان مستعدتر پایه‌های بالاتر در جهت نظارت بر گروه‌های خودآموز استفاده می‌شود. از مزایای این روش می‌توان به جبران کمبود ساعات آموزشی، آموزش انفرادی به دانش‌آموزان ضعیف از لحاظ عاطفی و اجتماعی و درسی، ایجاد اعتمادبه‌نفس و نگرش مثبت به خود در دانش‌آموزان معلم یار و تقویت احساس استقلال و عدم وابستگی و... جهت رفع موانع موجود بر سر راه اجرای این روش می‌توان با عوض کردن هر ماه یک‌بار

شاگرد معلم، از افت تحصیلی او جلوگیری به عمل آورد و از دانش‌آموزان مستعد دیگر در زمینه درسی برای این منظور استفاده کرد. راهکار مفید دیگری که نگارنده این جملات سال‌ها از آن استفاده نموده، شاگرد معلم هم پایه است. به این صورت که از هر پایه یکی از دانش‌آموزان برتر نقش معلم را در برنامه خودآموزی ایفا می‌کند.

راه‌حل‌های دیگر

- ۱- حذف فرصت اختصاص داده‌شده برای حضور و غیاب دانش‌آموزان
 - ۲- ثبت فعالیت‌های فرایند آموزش در خارج از وقت آموزش
 - ۳- تصحیح املا و انشا و بررسی مشق دانش‌آموزان در خارج از وقت آموزش
 - ۴- تعیین یک‌زمان خاص در خارج از وقت آموزش برای پاسخگویی به ارباب رجوع
 - ۵- هماهنگی با مدیریت روستاهای هم جوار جهت انجام امور مدیریتی و مراجعه به اداره
- فقدان تجهیزات آموزشی:** اثرات استفاده از تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی در تعمیق یادگیری بر کسی پوشیده نیست. اما متأسفانه کلاس‌های چندپایه به دو دلیل فاقد آن هستند:

- ۱- پایین بودن سرانه دانش‌آموزی
- ۲- در اولویت قرار نداشتن مدارس چندپایه در هنگام توزیع وسایل آموزشی رایگان از جانب اداره.

راه‌حل‌ها:

- ۱- تهیه پاره‌ای از این وسایل در زنگ هنر توسط دانش‌آموزان مانند دسته‌های ده‌تایی، چرتکه آموزشی و... به‌عنوان کاردستی
 - ۲- برنامه‌ریزی و تدوین پاره‌ای از فعالیت‌ها برای یک روز مشخص و امانت گرفتن این‌گونه وسایل از مدارس برخوردار.
 - ۳- دعوت از آزمایشگاه سیار در روزی که برنامه اجرای چند فعالیت و آزمایش تدوین گردیده است.
 - ۴- طرح مشکل با انجمن اولیا و مربیان و ارائه راهکارهای لازم از جانب معلم جهت تهیه و ساخت وسایل آموزشی.
- کمبود اطلاعات و تجارب معلمان کلاس‌های چندپایه:** کمبود اطلاعات معلمان تنها در بعد آموزشی و علمی خلاصه نمی‌شود، بلکه در مسائل تربیتی، روان‌شناسی و مهم‌تر از آن‌ها کمبود تجربه‌های عملی آنان است که موضوع را پیچیده‌تر می‌کند.

راه حل‌ها:

- ۱- مطالعه منابع، کتاب‌ها، مجلات آموزشی و تربیتی و نتایج پژوهش‌های جدید در زمینه شغلی
 - ۲- درخواست از اداره جهت تشکیل جلسات و کارگاه‌های آموزشی
 - ۳- بازدید از کلاس‌های معلمان موفق در اداره کلاس‌های چندپایه
- ضعف بنیة علمی دانش‌آموزان:** در این که دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با این همه مشکلات، نسبت به دانش‌آموزان در کلاس‌های عادی ضعیف هستند، شکی نیست. اما این مشکل، تمام مشکلات دیگر را توجیه نمی‌کند.

راه حل‌ها:

- ۱- یادآوری و مرور درس‌های سال قبل در آغاز سال تحصیلی به مدت دو الی سه هفته
- ۲- اجرای آزمون تشخیصی در ابتدای سال از پایه پایین‌تر بعد از مرور درس‌های سال قبل
- ۳- تغییر شیوه‌های آموزشی به نوعی که مشارکت فردی و فعال دانش‌آموز را در فعالیت‌های گروهی به همراه داشته باشد و آموخته‌ها را برای دانش‌آموزان معنادار سازد، تا بتوانند آن‌ها را در زندگی خود به کار ببرند.

۳. نتیجه گیری

خلاصه تجربیات به دست آمده در کشورهای: استرالیا، بنگلادش، جمهوری خلق چین، هند، اندونزی، جمهوری کره، مالزی، مالدیو، نپال، پاکستان، فیلیپین و تایلند تأکید می‌کند که: برنامه‌ریزی آموزش ابتدایی و فهرست حداقل توانایی‌های آموزشی، برای کلاس‌های چندپایه طراحی و تهیه نشده‌اند؛ بنابراین، به کارگیری برنامه‌های مدرسه‌ای رایج در این گونه کلاس‌ها با مشکلاتی روبه‌رو است، معلمان این کلاس‌ها با کمبود مواد و وسایل آموزشی مواجه‌اند. ارزشیابی مستمر و مداوم که نیاز ضروری دانش‌آموزان چنین کلاس‌هایی است به خوبی صورت نمی‌گیرد. علاوه بر اینها، بسیاری از معلمان این کشورها در کلاس‌های آموزشی چندپایه کار می‌کنند، اما برای تعداد کمی از آن‌ها تربیت‌معلم قبل یا در حین تدریس تشکیل می‌شود و همچنین سیستم آموزشی این کشورها به‌طور کلی توجه کافی به کارکرد مناسب این مدرسه‌ها ندارد.

پاوان و میلر بروس در تحقیقات دیگری نشان دادند که برنامه‌های کلاس‌های چندپایه باعث ارتقای سطح آموزش در بسیاری از مدرسه‌ها شده و نتایج بهتری از آموزش سنتی

داشته است. پاون، ۶۴ مورد مطالعه در آمریکا و کانادا انجام داد و متوجه شد که اکثر کلاس‌های چندپایه (۵۸ درصد) در پاسخ به تست‌ها، موفقیت بیش‌تری داشته‌اند و در مورد بهداشت روانی نیز ۵۲ درصد آن‌ها از وضعی بهتری برخوردار بوده‌اند. هفت مورد تحقیق در زمینه مقایسه وضعیت دانش‌آموزانی که تمام دوره ابتدایی خود را در مدرسه‌های تک‌پایه گذرانده‌اند و دانش‌آموزانی که در کلاس‌های چندپایه تحصیل کرده‌اند، نشان می‌دهد که دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه موفقیت تحصیلی بیش‌تری داشته‌اند.

بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان می‌دهد، این کلاس‌ها ضمن این که فرصت خوبی برای انجام کارگروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر هستند که خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات همدیگر اهمیت بدهند. بررسی‌ها در مجموع نشان می‌دهند، در صورتی که کلاس‌های چندپایه از طرف مسئولان و والدین حمایت شوند، بسیار موفق خواهند بود.

علاوه بر انجام فعالیت‌های گروهی، ارتباط دانش‌آموزان با معلم، در کلاس‌های چندپایه عمیق‌تر است. معمولاً دانش‌آموزان به مدت چند سال با یک معلم در ارتباط هستند و این فرصت مناسبی است تا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به افراد پایه‌های پایین‌تر در یادگیری کمک کنند و این امر باعث تقویت آموخته‌های خودشان هم می‌شود. همچنین، بر اساس تشخیص معلم، دانش‌آموزان این کلاس‌ها در بیش از یک امتحان دو نوبته ارزشیابی می‌شوند، و هر کودک می‌تواند به شیوه خودش یاد بگیرد و در مجموع استفاده از کلاس‌های چندپایه، از نظام مبتنی بر فرد یا پایه تحصیلی، مؤثرتر و ارزان‌تر است.

باتوجه به نتایج بررسی‌ها، تحقیقات و تجربه‌های متعدد، امروزه درباره تلفیق دانش‌آموزان سنین متفاوت در یک کلاس درس و تشکیل کلاس‌های چندپایه، موافقت عمومی و اجماع نظر به وجود آمده است.

طبق نظر بروس میلر، برای اجرای کلاس‌های چندپایه، انجام مقدمات زیر لازم است:

- ۱- مرور تحقیقات قبلی
- ۲- طراحی الگوهای مناسب
- ۳- تغییر قوانین باتوجه به مدل طراحی شده
- ۴- باز تولید مفاهیم اساسی مربوط به نظریه‌های یادگیری و ویژگی‌های دانش‌آموزان
- ۵- زمینه‌سازی برای تغییر تدریجی - تکاملی بلندمدت.

بر اساس نتایج تحقیقات و تجربه‌های انجام شده در کشورهای عضو مرکز نوآوری آموزشی برای توسعه در آسیا و اقیانوسیه و سایر کشورها و همچنین ماهیت آموزش در کلاس‌های چندپایه، به نظر می‌رسد، تحلیل علمی وضع موجود و ارائه طرح‌ها و برنامه‌های مناسب این زمینه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارند.

منابع:

- آقازاده، محرم، فضل‌ی، رخساره، راهنمای آموزش در کلاس‌های چندپایه، تهران، انتشارات: آبیژ، ۱۳۸۹ چاپ: ۸
- براون، سالی. راهنمای تدریس مؤثر، ترجمه کوروش فتحی واجارگاه، تهران: آبیژ، ۱۳۸۲.
- برچ، ایان کیت فالکنر، لالی، مایک، تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی، ترجمه پریوش جعفری، ناشر تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی، ۱۳۷۹
- بیلر، رابرت فردریک، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶
- تیلستون، دانا واکر، آنچه هر معلم باید بداند: مدیریت کلاس و کلاس‌داری، ترجمه بهمن ابراهیمی، علی اسماعیلی، تهران: شلاک، چاپ سوم: ۱۳۹۱.
- حاجی‌زاده‌اسفدن، محمدرضا، شیوه‌های مؤثر تدریس در کلاس‌های چندپایه، ناشر: چشم‌انداز قطب، ۱۴۰۱ نوبت چاپ: ۱
- سواری، ماجد، مدیریت و برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های چندپایه، ناشر: پژوهندگان راه دانش، چاپ: ۱۴۰۰
- صمدیان، صمد، شیوه اداره و تدریس در کلاس‌های چندپایه، نشر جمالی، ۱۳۸۶
نشر: صمدیان نوبت چاپ: ۳
- صیادی، فرهاد، منصور، فرحناز، رشیدی، حسن، نجومی، زهرا، علی‌اکبری، فاطمه، مرادی، گلناز، مدرسه‌ای در یک کلاس: روش‌های تدریس، مدیریت و برنامه‌ریزی در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی، نشر کرمانشاه: مؤسسه فرهنگی هنری و سینمایی کوثر، ۱۳۸۶.
- فتاحان، محمدجواد، کلاس‌های چندپایه و اصول مدیریت آن، انتشارات جالیز،

- ۱۴۰۰ نوبت چاپ: ۱.
- لفرانسو، گای. روان‌شناسی برای معلمان، ترجمه هادی فرجامی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰
 - مرتضوی‌زاده، سید حشمت‌الله، مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه، تهران انتشارات: کورش چاپ، ۱۳۹۴.
 - یونسکو. دفتر منطقه‌ای آموزش و پرورش در آسیا و اقیانوسیه، راهنمای تدریس در کلاس‌های چندپایه، مترجمان: صلاح محمدپور، سعید قریشی، احمد نظری سینا، ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران: مدرسه، ۱۳۹۴. نوبت چاپ: ۱

